

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً تشکر می‌کنم از همگی برادران و خواهران که در بخشهای مختلف - و همه هم لازم - مشغول کار و تلاش هسته‌اند؛ چه بخش مربوط به نماز، چه زکات، چه نفوس، چه مهدویت و چه بقیه‌ها آنچه که جناب آقای قرائتی بدان کردند. همگی اینها کارهای مهمی است، کارهای لازمی است و حقاً و انصافاً کار در این بخشها یک اتفاق حقّی و صدق‌هایی مقبولی عندالله تعالی است انشاءالله. از همه متشکر می‌م‌و، ولی بالخصوص از جناب آقای قرائتی لازم است تشکر کند. تشکر که نه؛ چون کار، کار خداست، برای خداست، انشاءالله خداوند بدان‌ها از ایشان و همکارانشان تشکر کند؛ لکن قدردانی بدان بکنند. من این چند جمله را در جمع شما برادران و خواهران بگویم:

آقای قرائتی یک نمونگی بسیار خوب و درس‌آموزی است خود ایشان. اولاً کارهایی را که ایشان مباشر آنها شد، دنبال آنها رفت، همایش‌ها، کارهایی بود که وجود داشتند؛ ایشان خلأها را پر کرده؛ خیلی ارزش دارد. بعضی کارها خوبند، اما تکرار ندارند. اگر کسی توانست از آنها را بداند، بشناسد و همت بگمارد بر اینکه ایشان خلأها را پر کند، این ارزش مضاعفی دارد. ایشان انجور عمل کرده است؛ هم در قضا، هم نماز، هم عظمت، با این همه مت‌رکن‌اند، ما هم قبول همگی اعمال انسان، این مورد ب‌اعتنایی قرار بگردد در جامعه، توجه لازم به آن نشود. این، خیلی خلأ بزرگی است - ایشان به این خلأ پرداخت، هم مسئله زکات، که واقعاً در جامعه ما مطرح نبود و خود این مطرح نبودن یک نقطگی ضعف بود، یک نقص بود، ایشان همت کرد، وارد شد؛ همه جا برو، همه جا بگو، به همه اصرار کن، خسته نشو، تا این به جبران بفتند. قضا هم نفس‌رهم‌ان‌جور است، قضا هم مهدویت و بقیه‌ها هم قضائگی که حالا ایشان دنبال می‌کنند؛ این یک نکته است در کار آقای قرائتی عزیز و محترممان.

نکتگی دوم که اهم‌ت آن از نکتگی اول بیشتر هم هست، صفا و خلوص ایشان است. خود این صفا هم موجب شده است که ایشان بتوانند کارها را پیش ببرند. خدای متعال با نتهای خالص همراه است؛ خلوص نیت تأثیر عجب‌بی‌درد در ب‌شرف‌ت کارهایی که با این نیت انجام بگردد. این هم یک نکته است؛ خیلی مهم است.

من اینها را عرض کردم نه برای خاطر اینکه حالا بخواهم از یکی تجلیل کنم یا یکی را بزرگ‌تر کنم. اینها که نه مورد احتیاج و انتظار آقای قرائتی است، نه ما دنبال این چیزها هستیم؛ ما بخواهیم انجور کار کردن برای ما - برای همهمان، بصوص ما طلبها - الگو بشود؛ یعنی انجور حرکت کند؛ نه اینکه حالا هم‌ان کارها را بکنند؛ بلکه به این معنا که بگردند دنبال خلأها، دنبال آنچه که نیاز به آن هست، اینها را بدان‌کنند. هر کسی ذوقی دارد، استعدادی دارد، تواناها بی‌درد، ظرف‌ت‌ی دارد، از این ظرف‌ت استفاده بشود برای اینکه کار انجام بگردد. این یک

دوم، استمرار و پ‌ب‌گری، که من حالا هم‌ان‌جا از خود آقای قرائتی و همکاران ایشان هم‌ب‌خواهم که این کارهایی که شروع کردند، مطلقاً آنها را رها نکنند؛ این کارها پ‌ب‌گری بشود، دنبال‌گری بشود. انجور نباشد که یک کاری را شروع کند، ب‌مجرد اینکه ب‌رکاتی، ثمراتی از آن ظاهر شد، خرسند بشویم، خوشحال بشویم، خدا را هم‌شکر بکنیم، ولی احساس ب‌ب‌ازی، احساس بی‌دستی به ما دست بدهد؛ نه، با این کار دنبال بشود. اما دوار ب‌انشاءالله خداوند به ایشان، به همگی شما برادران، خواهران عزیز کم‌کم کند، طول عمر بدهد، سلامتی بدهد که بتواند این کارها را دنبال کند؛ اینها مهم است.

اما مسئله مهدویت که این روزها به مناسبت نزدیکی زمینی شعبان و عید بزرگ اسلامی - بلکه بشری - با طرح این مسئله تناسب دارد، هم‌ان‌قدر با این عرض‌کنیم که مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقگی معارف عالی‌ب‌دینی است؛ مثل مسئله نبوت مثلاً، اهم‌ت مسئله مهدویت را در این حد بدان‌دانست. چرا؟ چون این چیزگی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزگی است که همگی انبیا، همگی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداختگی بر اساس عدالت و با استفاده‌گی از همگی ظرف‌ت‌ت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چیزگی دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام‌الله‌علیه‌و‌ع‌جل‌الله‌تعالی‌فرجه). دوران جامعگی توحیدی است، دوران حاکم‌ت توحید است، دوران حاکم‌ت حق‌قی معنویت و

د ن بر سراسر زندگی انسانهاست و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع آن کلمه است. خب، انبء برای آن آمدند.

ما مکرر عرض کردیم که همهی حرکتی که بشریت در سایه تعالی می‌انجامد، در طول آن قرون متمادی انجام دادند، حرکت به سمت جاده‌ی اسفالتی عرضی است که در دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل آنکه یک جماعتی از انسانها در کوه و کمر و راههای دشوار و باتلاقی‌ها و خارستانها با راهنماهای کسانی هم به طور حرکت دارند می‌کنند تا خودشان را به آن جاده‌ی اصلی برسانند. وقتی به جاده‌ی اصلی رسیدند، راه باز است صراط مستقیم روشن است حرکت در آن آسان است راحت در آن راه حرکت می‌کنند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، آنجا جاده‌ی مستقیم است که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع می‌شود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌شدنی است. در طول آن قرون متمادی، بشر از کجراهه‌ها، براهه‌ها، راههای دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در این راهها حرکت کرده است تا خودش را به آن جاده‌ی اصلی برساند. آن جاده‌ی اصلی همان جاده‌ی زمان ظهور است همان‌دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به آن معنا از آنجا شروع می‌شود.

اگر مهدویت نباشد، معناش این است که همهی تلاش انبء، همهی آن دعوتها، آن بعثتها، آن زحمات طاقتفرسا، آنها هم‌همایش با ما شده باشد، بنابراین، مسئله‌ی مهدویت یک مسئله‌ی اصلی است جزو اصولاً آن معارف الهی است. لذاست که در همی ادیان الهی هم تقریباً - حالاً تا آنجائی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لب و معنای حق‌قی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون آنکه درست روشن باشد که چه خواهند بگویند.

مسئله‌ی مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است معنی مخصوص شده نیست. همهی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی (عجل الله و السلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. منتها امت از شمه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد، نیست یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد که آن مصداق راه شناسیم، خصوصاً آنی از او را می‌دانیم، پدران او را می‌شناسیم، خانوادگی او را می‌شناسیم، ولادت او را می‌شناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرفتی هم باز روایات شمه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از طریق شمه هم وجود دارد که هم به معرفتی را برای ما روشن می‌کند و با بدگسانی که مال مذاهب دیگر هستند، توجه کنند و دقت کنند تا این حققت روشن را دریابند. بنابراین، اهمیت مسئله یک چیز است سطحی دارد و ما بیشتر از دیگران اولی هستیم به آنکه به این مسئله پردازیم؛ کارهای علمی و دقیق و متقن روی این مسئله انجام بگیرد.

مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیه‌ها مسئله‌ی اصلی فهمیدن و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار، معنی ترغیب، معنی مترصد یک حققتی که قطعی است، بود؛ این معنای انتظار است. انتظار معنی این است که حتمی و قطعی است بخصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. آنجا رنجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در این مردم است. در روایات دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت وسف که برادران او را می‌دیدند، بن آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه می‌رفت، ولی نمی‌شناختند. یک چیز حققت بارز، واضح و برانگیزاننده؛ این کمک می‌کند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیز از دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیز از دارد. این انتظار، تکلیف بردوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان حققت دارد که یک چیز از آن بدهای هست همچنانی که در آیات قرآن هست: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض رثها عباد الصالحون. ان فی هذا لبلغا لقوم عابدین» (1) - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند - با خود را آماده کنند، با دید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمهاست آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و هم شمه منتظر باشد. هم چ وقت نمی‌شود گفت که حالا سالها مدت‌ها مانده است که این اتفاق بیفتد، هم چ وقت هم نمی‌شود گفت که این حادثه نزد یک است و در هم بن نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. هم شمه با دید مترصد بود، هم شمه با دید منتظر بود. انتظار را چجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن همت و خلقی نزد یک کند که در دوران مورد انتظار، آن

خلق و آن شکل و آن همت متوقع است. ۱. بنی‌لزمهی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چیز در دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هسته‌ایم، با خودمان را به آن امور نزد یک کرم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چیز بنی‌حالی را به وجود می‌آورد.

یکی از خصوصیات آنی که در حققت انتظار گنجانده شده است، آن است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پذیرش شرفی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه‌روز آن پذیرش را، آن تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.

خب، بحمدالله امروز کسانی دارند در مسئله‌ی انتظار کار عالمانه می‌کنند؛ آن طوری که در گزارش‌های جناب آقای قرائتی بود و قبلاً هم آن گزارش را خوانده بودم، حالا هم که ایشان اشاره کردند و گفتند. از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامانه و جاهلانه بشدت باید پرهیز کرد. از جمله‌ی چیزهایی که می‌تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان (عجلالله تعالی فرجه الشریف) است، که هم بنی‌زمینه را برای مدد آن دروغ بنی‌فراهم می‌کند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات! نجور کاری مردم را از حالت انتظار حققی دور می‌کند، زمینه را برای مدد آن دروغگو و دجال فراهم می‌کند؛ از این با سستی بشدت پرهیز کرد.

در طول تاریخ مدد آنی بودند؛ بعضی از مدد آن هم بنی‌چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان آن بر کسی تطبیق کردند؛ همهی اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمی‌شود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، آن نجور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همه‌ی شعرهای آن شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را - در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی - بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینی که گفته‌ام فلان کس را، فلان جور می‌بینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرفکننده است، کارهای غلطانداز است. وقتی انحراف و غلطی به وجود آمد، آن وقت حققت، مهجور خواهد شد، مشابه خواهد شد، وسوسه‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلی شدن در مقابل شایعات عامه‌انه با سستی بشدت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن آن کار است، این هم کار هر کسی نیست، با اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حققتی را بشناسد، آن وقت می‌تواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد. این بخش از کار را هرچه ممکن است، بیشتر باید جدی گرفت تا راه انشاءالله برای مردم باز شود؛ هرچه دلها با مقولهی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوستر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پذیرش شرف ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.

این توسلاتی که در گزارشات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار ارزشمند است. و توسل، توجه، انس با آن بزرگوار از دور. این انس به معنای این نیست که حالا کسی ادعا کند که من خدمت حضرت می‌رسم؛ صدای ایشان را می‌شنوم؛ ایداً آن نجور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته می‌شود، ادعاهایی است که از دروغ است، از طرف دروغ هم نمی‌گویند، تصور می‌کنند، تخلیل می‌کنند. ما کسانی را دیدیم. آدمهای دروغگوئی نبودند، اما خدایا! می‌کردند، تخلیل می‌کردند؛ تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل می‌کردند؛ نبایستی تسلی می‌انها شد. راه درست، راه منطقی. آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، انشاءالله می‌پذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلامت‌دهندگان و پیام‌آمددهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.

ام‌دوار می‌انشاءالله خداوند متعال ظهور آن حضرت را هرچه نزدیکتر کند، ما را جزو اران آن بزرگوار، هم در غیبتش، هم در حضورش قرار بدهد و انشاءالله ما را جزو مجاهدان در کنار آن بزرگوار و شهیدان در رکاب آن بزرگوار قرار بدهد.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

(1) انب: 1: 105 و 106

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری

www.khamenei.ir